

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶

نقش سیاست‌های حوزه زنان در انتخاب آثار ادبی فمینیستی برای ترجمه به زبان فارسی

مزدک بلوری (استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

mazdakbolouri@atu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد تأثیر سیاست‌ها و اقدامات دو دولت اصلاح‌طلب و اصولگرا را در حوزه زنان در انتخاب آثار ادبی فمینیستی برای ترجمه به زبان فارسی در دوران پس از انقلاب ایران بررسی کند. هدف سنجش میزان تاثیرگذاری نهادهای قدرت و سیاست‌هایشان در شکل‌گیری ادبیات ترجمه‌شده زنان در نظام چندگانه ادبی کشور است. دولت اصلاح‌طلب سیاست‌هایی برای محقق‌شدن برابری جنسیتی و حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی در پیش گرفت و در برابر اندیشه‌های فمینیستی نرمش بیشتری نشان داد، در حالی که دولت اصولگرا بر محور سیاست زن در خانواده متمرکز شد و به‌طور جدی با فمینیسم و اندیشه‌های متأثر از آن مقابله کرد. نتایج نشان می‌دهد آثار ادبی فمینیستی در زمان دولتی که ضدیت چندانی با فمینیسم نداشته بیشتر برای ترجمه انتخاب و روانه بازار کتاب ایران شده‌اند. از طرف دیگر، دولتی که سیاست‌هایی در تقابل با فمینیسم اتخاذ کرده نه تنها با ایجاد فضای ضدیت با فمینیسم به‌طور غیرمستقیم باعث کاهش یافتن تعداد آثار ادبی انتخاب شده در این حوزه برای ترجمه شده است، بلکه به‌طور مستقیم نیز وارد عمل شده و از طریق ممیزی کتاب جلوی انتشار تعدادی از آثار ادبی ترجمه شده در حوزه زنان را گرفته است.

کلیدواژه‌ها: دولت اصلاح‌طلب، دولت اصولگرا، ایدئولوژی، فمینیسم، ترجمه

۱. مقدمه

لفور (۱۹۹۲) در کتاب ترجمه، بازنویسی و دستکاری شهرت ادبی از عواملی عینی همچون «قدرت»، «ایدئولوژی»، «نهاد» و «دستکاری» سخن می‌گوید که در شکل‌گیری نظام‌های ادبی و همچنین پذیرش یا عدم پذیرش و معیار شدن یا غیرمعیار ماندن آثار ادبی تأثیر می‌گذارند (۱۹۹۲، ص. ۲). وی با تبعیت از صورت‌گرایان روس فرهنگ را «نظامی از نظام‌ها» تلقی می‌کند که از نظام‌های فرعی مختلفی همچون ادبیات، علم و فناوری تشکیل شده است (لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۱). در چنین مجموعه پیچیده‌ای «نظام ادبی و سایر نظام‌های متعلق به نظام اجتماعی پذیرای یکدیگرند و بر هم تأثیر می‌گذارند» (لفور، ۱۹۸۵، ص. ۲۲۶). پس ادبیات بخشی از یک نظام بزرگ‌تر است که «فرهنگ» نام دارد (لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۱). ادبیات «مطیع» فرهنگ است و با «دیگر اجزای آن» همچون «زبان، جامعه، اقتصاد، سیاست، ایدئولوژی و امثال این‌ها» تناظر دارد (اون زوهر، ۱۹۹۰، ص. ۲۲-۲۳). در نتیجه، تعامل نزدیکی با محیط خود دارد (نک. هرمانز، ۱۹۹۹، ص. ۱۰۵). ادبیات «فعالیتی جدا از جامعه [نیست] که فقط به کمک قوانین کنترل شود و (به‌صورت ذاتی) با همه فعالیت‌های انسانی دیگر متفاوت باشد، بلکه عاملی مکمل و غالباً عاملی مرکزی و بسیار قدرتمند، در بین این فعالیت‌های دیگر است» (اون زهر، ۱۹۹۰، ص. ۲). در واقع، ادبیات رابطه محکمی با زندگی روزمره جامعه دارد.

این بدان معناست که ادبیات تولیدشده در هر فرهنگ نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از سایر نظام‌های آن فرهنگ و نیز بدون دخالت قدرت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه شکل بگیرد. لفور این شکل از قدرت را که می‌تواند به «خواندن، نوشتن و بازنویسی ادبیات کمک کند یا جلویش را بگیرد» «حمایت»^۱ و عامل حمایت را «حامی»^۲ می‌نامد (لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۵). طبق گفته او حامی ممکن است اشخاص، دولت‌ها، ناشران، اداره‌های سانسور، دربار و نهادهای مختلف سیاسی، مذهبی یا فرهنگی

1. Patronage

2. Patron

باشند. این عامل «معمولاً بیشتر به ایدئولوژی ادبیات علاقه‌مند است» و می‌کوشد «رابطه بین نظام ادبی و دیگر نظام‌هایی را که با هم جامعه و فرهنگی را تشکیل می‌دهند، تنظیم کند» (لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۵) و با کنترل نظام ادبی اطمینان یابد که ادبیات «از سایر نظام‌های فرعی جامعه فاصله زیادی نمی‌گیرد» (لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۴). در چنین شرایطی تولیدکنندگان ادبیات برای اینکه بتوانند آثار خود را در جامعه مذکور ارائه کنند، باید از ایدئولوژی حامیان خود تبعیت و پشتیبانی کنند یا دست‌کم نباید در آثار خود چیزی بر خلاف ایدئولوژی و سیاست‌های حامیان‌شان بگنجانند (نک. لفور، ۱۹۹۲). حمایت دارای سه عنصر است: ۱. عنصر ایدئولوژیک که «به‌عنوان محدودیتی در انتخاب و پدید آوردن صورت و موضوع [آثار ادبی] عمل می‌کند» (لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۶)؛ ۲. عنصر اقتصادی که به نویسندگان و بازنویسان برای امرار معاش کمک می‌کند (نک. لفور، ۱۹۸۵، ص. ۲۲۷)؛ ۳. عنصر شأن حرفه‌ای که به نویسندگانی که حمایت حامی خود را می‌پذیرند و به‌طور متقابل از آن حمایت می‌کنند جایگاه و منزلت حرفه‌ای می‌بخشد (نک. لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۶). هرگاه «هر سه عنصر، یعنی ایدئولوژی، اقتصاد و شأن حرفه‌ای را یک حامی فراهم آورد»، حمایت از نوع یکپارچه^۱ است (لفور، ۱۹۸۵، ص. ۱۷).

از آن‌جا که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ایران طبق قانون موظف است آثار ادبی را پیش از انتشار بررسی کند و در صورت مطابقت داشتن این آثار با آیین‌نامه نشر کتاب برای آن‌ها مجوز انتشار صادر کند، حمایت در ایران از نوع حمایت یکپارچه است. در این شرایط، دولت هر سه عنصر حمایت، یعنی ایدئولوژی و اقتصاد و شأن حرفه‌ای، را در اختیار خود دارد و می‌کوشد «ثبات نظام اجتماعی را به‌عنوان یک کلیت» حفظ کند (لفور، ۱۹۹۲، ص. ۱۷). بازنویسی آثار ادبی به‌صورت ترجمه «با ساختار قدرت سیاسی و ادبی که در هر فرهنگ عمل می‌کند ارتباط تنگاتنگی دارد» و «به تولید متن‌هایی می‌انجامد که ایدئولوژی و بوطیقای غالب را باز می‌نمایانند (شاتلورث و کاوی، ۱۹۹۷، ص. ۱۴۷). در چنین وضعیتی «انتخاب‌هایی

1. Undifferentiated patronage

که طی فرآیند ترجمه صورت می‌گیرد (نه فقط انتخاب‌های شخص مترجم بلکه انتخاب‌های همه کسانی که در این فرآیند دخیل هستند، از جمله کسانی که در مورد انتخاب متن‌ها برای ترجمه تصمیم می‌گیرند) به‌طور بالقوه بر مبنای راهبردهایی تعیین می‌شوند که مبتنی بر ایدئولوژی‌اند و تحت نظارت کسانی که قدرت را در دست دارند هستند» (فاست و ماندی، ۲۰۰۹، ص. ۱۳۷-۱۳۸). این یعنی کتاب‌هایی که با ایدئولوژی، ارزش‌ها و سیاست‌های مورد نظر دولت در تضاد باشند فرصت انتشار پیدا نمی‌کنند. این پدیده را می‌توان نوعی دستکاری^۱ آگاهانه نظام ادبی برای تطبیق‌دادن آثار تولیدشده با ایدئولوژی و سیاست‌های حاکم تلقی کرد. دوکات (۲۰۰۷) این نوع دستکاری را دستکاری برون‌متنی^۲ می‌نامد که شامل فرآیند انتخاب متن‌ها برای ترجمه، محدودیت‌های بیرونی که در فرآیند ترجمه تأثیر می‌گذارند و همچنین فرآیندهایی که پس از کامل‌شدن هر ترجمه در مورد آن رخ می‌دهد است (۲۰۰۷، ص. ۱۰۸). یکی از انواع دستکاری برون‌متنی، مطابق با تقسیم‌بندی دوکات، «دستکاری برون‌متنی به‌مثابه تحریف آگاهانه»^۳ است. او این نوع دستکاری را چنین تعریف می‌کند: «سیاست ترجمه‌ای توأم با تحریف که منجر به ترجمه آثار نویسندگان و متن‌هایی می‌شود که به‌دقت انتخاب شده‌اند و در نتیجه فرهنگ مبدأ را به‌درستی باز نمی‌نمایانند» (۲۰۰۷، ص. ۱۰۸-۱۰۹). از این گذشته، عنصر اقتصاد نیز در اختیار دولت است، زیرا کتاب‌هایی که به‌دلیل تقابل با ایدئولوژی حاکم مجوز نشر دریافت نمی‌کنند، فرصت انتشار نمی‌یابند و در نتیجه ناشر، مترجم یا نویسنده از عواید اقتصادی آن بهره‌مند نمی‌شوند. همچنین دولت است که می‌تواند با صدور مجوز برای کتاب‌ها و فراهم‌آوردن امکان توزیع آن‌ها در سطح جامعه به مترجمان و نویسندگان شأن حرفه‌ای ببخشد؛ زیرا کتاب‌هایی که از مسیرهای رسمی در کشور منتشر نمی‌شوند شأن حرفه‌ای چندانی برای مترجمان یا نویسندگان خود به ارمغان نمی‌آورند.

-
1. Manipulation
 2. Text-external manipulation
 3. Text-external manipulation as conscious distortion

لفور (۱۹۹۸، ص. ۴۸) ایدئولوژی را چنین تعریف می‌کند: «شبکه مفهومی شامل عقاید و نگرش‌هایی که در هر جامعه و در هر زمان قابل قبول محسوب می‌شوند و خوانندگان و مترجمان از طریق آن به متن‌ها راه می‌برند.» ایدئولوژی جامعه در هر زمان نه فقط در متن آثار ترجمه‌شده، راهبردهای ترجمه‌ای به‌کار گرفته شده و ابزارهای پیرامنتی همچون مقدمه مترجم تأثیر می‌گذارد، بلکه در انتخاب آثار برای ترجمه به زبان آن جامعه و نیز در کنترل فرآیند نشر کتاب نقش مهمی ایفا می‌کند. این شامل تصمیم در این خصوص خواهد بود که «آیا ترجمه‌ای اصلاً سفارش داده شود و به مرحله چاپ برسد یا نه» (فاست و ماندی، ۲۰۰۹، ص. ۱۳۸). به‌عنوان نمونه بارزی از دستکاری‌های ایدئولوژیک می‌توان به کشور آلمان در فاصله سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ اشاره کرد که «ایدئولوژی مشخصی در پشت انتخاب متن‌ها برای ترجمه بود، به‌طوری که تعداد زیادی از متن‌های اسکاندیناوی و فلاندری/هلندی [طی این سال‌ها]، به‌دلیل اینکه نازی‌ها معتقد بودند این کشورها با مردم آلمان احساس خویشاوندی دارند، ترجمه شدند» (فاست و ماندی، ۲۰۰۹، ص. ۱۳۸-۱۳۹). نمونه دیگر ایدئولوژی ضد یهودیت در ایتالیای دوران موسلینی است که با آغاز برنامه پاکسازی نژاد یهود منجر به «ممنوعیت کامل ترجمه و نشر کتاب‌های نویسندگان یهودی» در حوزه ترجمه ادبی شد (راندل، ۲۰۱۰، ص. ۳۵). در دهه ۱۹۴۰ در اسپانیا نیز انتشار آثاری که مفاهیم تابو در خود داشتند ممنوع بود. از جمله این مفاهیم تابو حرف‌های ضد مذهب، روابط ممنوع و خارج از ازدواج، تماس فیزیکی، متن‌های اروتیک و زبان غیرمتعارف بود (نک. هارتلی، ۲۰۰۷، ص. ۶۶ و ۷۷). در برخی کشورها، مانند آلمان شرقی، سانسور آثار ادبی از مرحله انتخاب اثر برای ترجمه آغاز می‌شد و کارهای مقدماتی ناشر و انتشار و توزیع کتاب در بازار را نیز در بر می‌گرفت (نک. تامسون-وولگموت، ۲۰۰۷). تامسون-وولگموت (۲۰۰۷) معتقد است آلمان شرقی که ایدئولوژی‌اش بر مبنای نظام اعتقادی مارکسیستی-لنینیستی قرار داشت، در انتخاب، کنترل و تولید کتاب دو هدف اساسی را دنبال می‌کرد؛ اولاً می‌خواست «جامعه جدیدی بسازد که همه نشانه‌های تفکر بورژوا از آن پاک شده

باشد»، ثانیاً می‌خواست «از حزب در برابر انتقاد» محافظت کند (تامسون-وولگموت، ۲۰۰۷، ص. ۹۴). در نتیجه، مفید بودن کتاب‌ها را ارزیابی می‌کرد و به کتاب‌هایی که اندیشه‌های مطرح در آن‌ها برای اعتقادات رژیم زیان‌بار بودند یا از حزب انتقاد می‌کردند هرگز اجازه انتشار یا حتی انتخاب و شروع فرآیند ترجمه نیز داده نمی‌شد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که فرآیند ترجمه متأثر از ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه در هر زمان خاص است.

با اتکا به مطالعات توصیفی ترجمه^۱ و توصیف پدیده‌های ترجمه‌ای روی داده در هر محیط و هر دوره زمانی می‌توان نقش عوامل برون‌متنی را در شکل‌گیری ادبیات ترجمه‌شده در آن محیط و در آن دوره تاریخی ارزیابی کرد. چنان که هرمانز می‌گوید (به نقل از آسیس روزا، ۲۰۱۰، ص. ۹۴)، رویکرد توصیفی به مطالعات ترجمه به پژوهشگران کمک می‌کند «ترجمه را به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی و تاریخی مطالعه کنند و به بررسی موقعیت و عوامل تاثیرگذار در آن بپردازند».

پژوهش حاضر بر مبنای ملاحظات نظری بالا به بررسی رابطه بین ادبیات ترجمه شده در نظام چندگانه ادبی ایران و سایر نظام‌های فرهنگی جامعه می‌پردازد. هدف روشن ساختن میزان تأثیرپذیری ادبیات ترجمه‌شده زنان از سایر نظام‌های تشکیل‌دهنده جامعه و نیز سیاست‌های رسمی کشور در حوزه زنان است. حمایت دولتی یکپارچه در ایران از طریق ممیزی کتاب آثار ادبی تولید شده را با ایدئولوژی خود تطبیق می‌دهد و با کنترل ادبیات ترجمه شده اطمینان حاصل می‌کند که ادبیات تولید شده از این راه ضدیتی با سایر ارزش‌های جامعه ندارد و از سایر نظام‌های فرعی جامعه «فاصله نمی‌گیرد»؛ از این رو، سیاست‌های دولت در حوزه زنان احتمالاً باید در انتخاب‌شدن یا انتخاب نشدن آثار ادبی فمینیستی برای ترجمه به زبان فارسی نقش داشته باشد.

۲. اهداف و زمینه پژوهش

این مقاله می‌کوشد سیاست‌های دو دولت را که پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران به قدرت رسیده‌اند در حوزه زنان بررسی و تأثیر این سیاست‌ها را در انتخاب یا عدم انتخاب آثار ادبی فمینیستی برای ترجمه به زبان فارسی ارزیابی کند. هدف روشن شدن میزان تاثیرگذاری سیاست‌های نهادهای قدرت در انتخاب آثار برای ترجمه در هر فرهنگ است. دولت اصلاح‌طلب (۱۳۷۶-۱۳۸۴) و دولت اصولگرا (۱۳۸۴-۱۳۹۲) سیاست‌های متفاوتی در حوزه زنان در پیش گرفتند و شرایط متفاوتی برای فعالیت‌های زنان فراهم آوردند. دولت اصلاح‌طلب با شعار «توسعه سیاسی، توجه به حقوق شهروندی، آزادی بیان و برجسته‌کردن حقوق زنان»^۱ قدرت را در دست گرفت. از همین رو، در حوزه زنان تمرکز خود را بر مسائلی چون ارتقای تشکیلات زنان، رفع تبعیض جنسیتی و زمینه‌سازی برای حضور فعال زنان در جامعه قرار داد. این دوره شاهد رشد آمار تحصیلات و اشتغال زنان بود و در نتیجه، حضور آنها در عرصه فعالیت‌های اجتماعی پررنگ‌تر شد و تلاش‌هایی در زمینه نزدیک‌تر کردن وضعیت زنان ایران به معیارهای بین‌المللی صورت گرفت. برعکس، دولت اصولگرا در حوزه زنان سیاست‌هایی در تقابل با اندیشه‌های فمینیستی غربی در پیش گرفت و بر محور زن در خانواده متمرکز شد. در زیر به‌عنوان نمونه به برخی از اقدامات دو دولت در زمینه مسائل زنان اشاره می‌شود تا تصویر روشن‌تری از این سیاست‌ها به دست آید:

۲.۱. دولت اصلاح‌طلب

- اصلاح قوانین مربوط به سن ازدواج، تعیین مصادیق عسر و حرج و حضانت فرزند (که اولویت را تا سن هفت سالگی به مادر داد) و لغو ممنوعیت اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور.^۲

1. <http://jnews.jamran.ir/news/id/1759390>

2. www.asriran.com/fa/news/293663

- ارتقای دفتر امور بانوان به «مرکز امور مشارکت زنان» با هدف «وارد کردن مباحث زنان به برنامه سوم و ایجاد محتوای جنسیتی در برنامه چهارم»^۱. از جمله فعالیت‌های این مرکز «آموزش‌های حقوقی به زنان [...] برای آگاه‌سازی زنان و احقاق حقوق ایشان» (فاطمی، ۱۳۸۹) بود.
- تصویب لایحه الحاق (الحاق ایران به کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان) در هیات وزیران در آذرماه ۱۳۸۰.^۲
- تصویب طرح دوره کارشناسی ارشد مطالعات زنان در شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ پذیرش دانشجویان در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ ابتدا در دانشگاه‌های علامه طباطبائی، تربیت مدرس و الزهرا و در سال‌های بعد در دانشگاه‌های تهران، شیراز و اصفهان در سه گرایش «حقوق زن در اسلام»، «زن و خانواده» و «زن و تاریخ»^۳؛ تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ و انتشار فصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهش زنان»^۴.
- تأسیس کتابخانه مرکز امور مشارکت زنان در بهمن ۱۳۷۶ و رشد و توسعه کتابخانه به‌عنوان نخستین کتابخانه تخصصی زنان (شیرافکن، ۱۳۹۳).
- ایجاد ۵۴۰ جایگاه سازمانی زنان؛ طرح تربیت ۳۰۰ مدیر زن؛ برگزاری دوره «ملیکا» برای آموزش مهارت‌های زنان برای حضور در مجامع بین‌المللی (شجاعی، ۱۳۹۱).
- انتخاب زنان برای تصدی پست‌هایی چون رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، رئیس مرکز مشارکت زنان؛ رشد ۶۳ درصدی مدیریت زنان و انتخاب معاون، فرماندار، بخشدار و شهردار زن.

1. www.asriran.com/fa/news/293663

2. <https://www.isna.ir/news/8205-08262>

3. www.mehrkhane.com/fa/news/11714

4. <http://cws.ut.ac.ir/>

- ثبت ۵۵ سازمان غیردولتی زنان، ۲۸ شرکت اجتماعی، ۱۹ شرکت خیریه، ۲۰ شرکت تخصصی صنفی در سال ۱۳۷۶؛ این ارقام در سال ۱۳۸۴ به ۴۵۰ سازمان غیردولتی زنان شامل ۲۴۵ شرکت اجتماعی، ۱۳۲ خیریه و ۱۱۲ شرکت تخصصی صنفی افزایش یافت.^۱
- پیگیری سیاست فعال‌کردن زنان در بخش غیردولتی و حوزه‌های اجتماعی؛ توسعه، حمایت و تقویت سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی، فعالیت اجتماعی و رشد فرهنگی اجتماعی زنان؛ فعالیت برخی از این سازمان‌ها در حوزه تساوی حقوق زن.^۲
- افزایش بودجه زنان در دستگاه‌های اجرایی؛ رشد میزان اشتغال زنان (از ۱/۹ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۳)؛ رشد تحصیلات دختران (میزان باسوادی زنان به ۸۱ درصد و میزان پوشش تحصیلی دختران به ۹۷ درصد رسید) (زرره، ۱۳۹۲).
- راه‌اندازی کمیسیون امور زنان و اداره کل امور بانوان در وزارت کشور و سایر ارگان‌ها.^۳
- ادامه فعالیت ماهنامه زنان که از سال ۱۳۷۰ شروع به کار کرده بود.

۲.۲. دولت اصولگرا

- توسعه حوزه عمل «مرکز امور مشارکت زنان» به «مرکز امور زنان و خانواده» با هدف تقابل با اندیشه‌های فمینیستی و اولویت‌بخشیدن به خانواده.
- اولویت‌بخشیدن به برنامه خانواده و تحکیم آن؛ تأسیس ستاد ملی زن و خانواده در «مرکز امور زنان و خانواده» با هدف پیشگیری از فروپاشی و تزلزل، کاهش و کنترل آسیب‌ها و کاهش پیامدهای ناشی از طلاق در

1. <http://mehrkhane.com/fa/news/7053>

2. <http://mehrkhane.com/fa/news/7053>

3. www.mehrkhane.com/fa/news/7053

کشور؛ مطرح شدن طرح‌های بیمه مهریه، دورکاری زنان، افزایش مرخصی زایمان برای زنان کارمند از سه ماه به نه ماه، استخدام دو زن در یک پست به صورت نیمه وقت با حقوق و مزایای نیمه و کاهش ساعت کاری زنان به منظور پررنگ کردن حضور زنان در جمع خانواده؛ تأکید بر حضور زنان در خانه؛ تدوین سیاست‌های مربوط به افزایش جمعیت و افزایش انگیزه‌های باروری^۱.

- طرح بازنگری و اصلاح رشته مطالعات زنان و خالی کردن سرفصل دروس و محتوای این رشته از آنچه به ترویج فمینیسم می‌انجامد. این طرح در دانشگاه علامه طباطبائی و در سطح وزارت علوم با برگزاری جلسات منظم و متعدد و با حضور کارشناسان آگاه به حوزه زنان و منتقد اندیشه‌های فمینیستی پیگیری شد و نتیجه اصلاحات در سال ۱۳۸۷ به دانشگاه‌ها ابلاغ شد و از سال ۱۳۸۹ به مرحله اجرا درآمد؛ حذف رشته مطالعات زنان در دانشگاه علامه طباطبائی؛ تغییر واحدهای درسی «نظریات فمینیستی» به «نقد نظریات فمینیستی» در دانشگاه تهران و تلاش برای افزایش محتوای اسلامی رشته^۲.

- تصفیه کتابخانه مرکز امور مشارکت زنان؛ طبق گفته رئیس سابق مرکز، خمیر شدن تعدادی از کتاب‌های منتشر شده در دوران اطلاع‌طلبان به دلیل فمینیستی بودن کتاب‌ها؛ ایجاد محدودیت برای مطالعه در کتابخانه به نحوی که به افراد خاصی اجازه استفاده از کتابخانه داده می‌شد (شیرافکن، ۱۳۹۳).

- تعطیلی اداره کل امور بانوان وزارت آموزش و پرورش (همان).
- حذف تعدادی از رشته‌های دانشگاهی برای دختران از دانشگاه‌های کشور^۳.

1. <http://www.asriran.com/fa/news/293663>

2. www.Mehrkhane.com/fa/news/11714

3. <http://www.tabnak.ir/fa/news/264141>

- لغو مجوز ماهنامه زنان در تاریخ هشتم بهمن ۱۳۸۶ به دلیل «درج مطالب و اخبار به گونه‌ای که موجب سلب امنیت روانی جامعه می‌شد، همچنین به دلیل به مخاطره انداختن سلامت روحی، فکری و روانی مخاطب و القای اینکه در جامعه امنیت وجود ندارد و به دلیل سیاه‌نمایی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی»^۱.
- معرفی سه زن به مجلس برای تصدی پست وزارت؛ اختصاص برخی پست‌ها به زنان از جمله معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور، معاونت ارزی بانک مرکزی، ریاست موزه ملی ایران، ریاست سازمان ملی جوانان؛ تلاش برای ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی (نک، روزنامه آفتاب یزد، ش. ۱۷۷۷).

با بررسی سیاست‌ها و اقدامات این دو دولت به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت: دولت اصلاح طلب تلاش‌هایی با هدف کمک به حضور فعال «زن در جامعه» صورت داده است و آن بخش از اندیشه‌های فمینیستی غرب را که با فرهنگ ایرانی اسلامی در تضاد نبوده‌اند و قادر بوده‌اند در رشد و اعتلای زنان در جامعه ایران ایفای نقش کنند پذیرفته و این اندیشه‌ها را در سیاست‌های خود در زمینه قوانین حقوقی، آموزش مهارت‌ها، فعالیت‌های صنفی و تحصیلی زنان گنجانده است. این دولت با اتکا به چنین اندیشه‌هایی بر ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان، رفع تبعیض‌های جنسیتی و اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان تمرکز کرده و زمینه را برای حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی فراهم آورده است. دولت اصولگرا تمرکز خود را بر مقوله «زن در خانواده» قرار داده و سیاست‌هایی برای به حداکثر رساندن حضور زنان در جمع خانواده در پیش گرفته است. اندیشه‌ها و ایدئولوژی این دولت کاملاً در تقابل با فمینیسم غربی قرار دارد؛ از این رو، می‌کوشد نقش زن را از دیدگاه سنتی تعریف کند و معیارهای نوین بین‌المللی در مورد زنان را مردود می‌داند. دولت

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8611080537>

اصولگرا پس از روی کار آمدن، بسیاری از تصمیم‌های دولت اصلاح طلب را که متأثر از اندیشه‌های فمینیستی قلمداد می‌شد، لغو کرد.

۲.۳. پرسش پژوهش

این پژوهش می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. سیاست‌های متفاوت دو دولت اصلاح طلب و اصولگرا در حوزه زنان چه تأثیری بر انتخاب یا عدم انتخاب آثار ادبی فمینیستی برای ترجمه به زبان فارسی داشته است؟

۲. آیا تقابل دولت اصولگرا با اندیشه‌های فمینیستی منجر به رویارویی این دولت با انتشار و اشاعه آثار ادبی فمینیستی در قالب ممیزی کتاب شده است؟

۲.۴. منابع داده‌ها و روش پژوهش

برای پاسخ به پرسش‌های بالا فهرستی از ۱۰۰ رمان فمینیستی که در سایت [goodreads](http://www.goodreads.com) تحت عنوان «بهترین آثار داستانی فمینیستی» معرفی شده بود، بررسی شد.^۱ فرآیند چاپ کتاب در ایران به این صورت است که ناشر ابتدا کتاب را به کتابخانه ملی می‌فرستد و فیفا دریافت می‌کند. کتاب در این مرحله در سایت کتابخانه ملی ثبت می‌شود. پس از آن کتاب را برای بررسی پیش از انتشار به اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال می‌کند. در صورتی که کتاب مجوز انتشار دریافت کند و منتشر شود، ناشر موظف است نسخه‌هایی از کتاب را به خانه کتاب بدهد و در این مرحله اطلاعات کتاب در سایت خانه کتاب نیز درج می‌شود. در نتیجه فقط کتاب‌هایی که اطلاعاتشان در این سایت موجود باشد منتشر شده‌اند و اطلاعات مربوط به کتاب‌ها در سایت کتابخانه ملی فقط نشان‌دهنده شروع مرحله انتشار کتاب است. از این رو، کتاب‌هایی که اطلاعاتشان در هر دو سایت قابل رؤیت باشد منتشر و راهی بازار کتاب شده‌اند و کتاب‌هایی که فقط در سایت کتابخانه ملی ثبت شده باشند ترجمه شده اما به هر دلیلی هنوز منتشر نشده‌اند.

1. www.goodreads.com/list/show/46.Best_feminist_fiction

عنوان کتاب‌ها در دو سایت کتابخانه ملی و خانه کتاب جست‌وجو شد تا مشخص شود آیا این کتاب‌ها تا به حال به فارسی ترجمه شده‌اند و در صورت ترجمه شدن آیا به مرحله انتشار نیز رسیده‌اند. تاریخ چاپ نخست ترجمه‌های منتشر شده استخراج شد تا تعداد آثار ادبی فمینیستی تولیدشده در هر یک از دو دولت معلوم شود. بررسی تاریخ انتشار متن مبدأ این آثار نشان داد که ۸۶ عنوان از فهرست موجود تا سال ۲۰۰۵، یعنی پایان دولت اصلاح‌طلب، و ۹۸ عنوان تا سال ۲۰۱۳، یعنی پایان دولت اصولگرا، منتشر شده بودند. از این‌رو، در بررسی‌ها فقط ۸۶ کتاب برای دولت اصلاح‌طلب و ۹۸ کتاب برای دولت اصولگرا در نظر گرفته شد، زیرا بقیه کتاب‌های فهرست اصلی، یعنی ۱۴ عنوان در زمان روی کار بودن دولت اصلاح‌طلب و ۲ عنوان در دوران تصدی اصولگرایان، در زمان این دولت‌ها اصلاً منتشر نشده بودند.

پس از اینکه مشخص شد تعدادی از کتاب‌ها ترجمه شده اما به مرحله انتشار نرسیده‌اند، با ناشرانی که این آثار را به اداره کتاب ارسال کرده بودند صحبت شد تا علت منتشر نشدن کتاب‌ها معلوم شود.

۳. یافته‌ها

از بین رمان‌های فهرست مذکور، ۱۷ رمان (۱۹/۷۶٪) برای نخستین‌بار در زمان دولت اصلاح‌طلب و ۱۳ کتاب (۱۳/۲۶٪) در دوران دولت اصولگرا ترجمه شده است. (درصدها بر اساس ۱۷ عنوان از ۸۶ کتاب فهرست اولیه در دوران اصلاح‌طلبی و ۱۳ عنوان از ۹۸ کتاب فهرست اولیه در دوران اصولگرایی محاسبه شده است.) هر ۱۷ کتاب ترجمه‌شده در دولت اصلاح‌طلب در این دوره چاپ و راهی بازار کتاب شده‌اند (۱۰۰٪ کتاب‌های ترجمه‌شده) (نک. جدول ۱)، اما از بین ۱۳ کتاب ترجمه‌شده در زمان دولت اصولگرا ۷ کتاب منتشر شده بود (۵۳/۸۴٪) و ۶ عنوان کتاب در سایت خانه کتاب یافت نشد. گفت‌وگو با ناشران این ۶ عنوان کتاب نشان داد که از این تعداد ۵ کتاب مجوز انتشار دریافت نکرده‌اند و یک کتاب مجوز گرفته اما به دلایل اقتصادی منتشر نشده است (نک. جدول ۲).

جدول ۱. کتاب‌های ترجمه و منتشر شده در زمان دولت اصلاح طلب

سال نشر	عنوان کتاب	سال نشر	عنوان کتاب
۱۳۸۳	خانه خیابان مانگو	۱۳۸۲	سرگذشت ندیمه
۱۳۸۱	قبیله خرس غار	۱۳۸۴	شیشه
۱۳۷۷	اجاق همیشه روشن	۱۳۸۳	زندگی اسرارآمیز زنبورها
۱۳۸۴	بهشت	۱۳۷۶	آبی‌ترین چشم
۱۳۷۸	کوهستان سرد	۱۳۸۲	ساعت‌ها
۱۳۸۰	عروس فریبکار	۱۳۸۲	چهره پنهان (گریس دیگر)
۱۳۷۶	عاشق	۱۳۷۸	سولا
۱۳۸۳	جنس گیلان	۱۳۸۲	آدمکش کور
		۱۳۸۱	قلعه متحرک

جدول ۲. کتاب‌های ترجمه شده (منتشر شده یا منتشر نشده) در زمان دولت اصولگرا

عنوان کتاب	سال نشر	آیا منتشر شده است؟	علت منتشر نشدن
به رنگ ارغوان	۱۳۸۸	خیر	عدم صدور مجوز
چشم گریه	۱۳۹۱	بله	-
الینا	۱۳۸۷	بله	-
دفتر یادداشت طلایی	۱۳۸۹/۱۳۸۷	خیر	عدم صدور مجوز
شاهزاده خانمی با پیراهن کاغذی	۱۳۸۹	خیر	دلایل اقتصادی
آب برای فیل‌ها	۱۳۸۸	بله	-
نیاکان	۱۳۸۷	خیر	عدم صدور مجوز
اتاق	۱۳۹۲	بله	-
قلب، شکارچی تنها	۱۳۸۵	بله	-
کری	۱۳۹۰	خیر	عدم صدور مجوز
بانوی پیشگو	۱۳۹۱	بله	-
زنستان	۱۳۸۹	بله	-
آتش	۱۳۸۹	خیر	عدم صدور مجوز

خلاصه آماری اطلاعات یافت‌شده در این پژوهش در جدول ۳ قابل مشاهده است:

جدول ۳. اطلاعات آماری پژوهش حاضر

تعداد کتاب‌های منتشر نشده به دلایل دیگر	تعداد کتاب‌های مجوز نگرفته و منتشر نشده	تعداد کتاب‌های منتشر شده	تعداد کتاب‌های انتخاب شده برای ترجمه از فهرست اولیه	
۰	۰	۱۷ (٪۱۰۰)	۱۷ (٪۱۹/۷۶)	دولت اصلاح طلب
۱	۵	۷ (٪۵۳/۸۴)	۱۳ (٪۱۳/۲۶)	دولت اصولگرا

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که اولاً انتخاب آثار ادبی برای ترجمه پدیده‌ای اتفاقی نیست و از شرایط محیطی حاکم بر نظام فرهنگی تبعیت می‌کند. در زمان دولت اصلاح طلب که سیاست‌هایی برای اعطای آزادی‌ها و فرصت‌های بیشتر به زنان در پیش گرفته شد و دولت‌پذیرای بخشی از اندیشه‌های فمینیستی و برابرخواهی جنسیتی بود، آثار ادبی فمینیستی بیشتری برای ترجمه به زبان فارسی انتخاب شد، در حالی که در زمان دولت اصولگرا که برابرخواهی جنسیتی و آزادی‌های متأثر از جنبش‌های غربی زنان مردود دانسته شد و دولت در تقابل با اندیشه‌های فمینیستی برآمد تعداد کتاب‌های ادبی فمینیستی انتخاب شده برای ترجمه کاهش یافت (۱۷ عنوان کتاب در دوران اصلاح طلبی [٪۱۹/۷۶] در مقابل ۱۳ عنوان در دوره اصولگرایی [٪۱۳/۲۶]). از این رو، به نظر می‌رسد سیاست‌های اتخاذ شده در هر یک از این دو دولت به طور غیرمستقیم در انتخاب شدن یا انتخاب نشدن این آثار برای ترجمه به زبان فارسی نقش داشته است. ثانیاً دولتی که در مقام مقابله با فمینیسم بر می‌آید می‌کوشد از ترویج اندیشه‌های این جنبش جلوگیری کند؛ در ایران که انتشار کتاب در گرو صدور مجوز نشر از اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، دولت می‌تواند از طریق ممیزی کتاب و عدم صدور مجوز یا اعمال دستکاری‌ها در متن جلوی ورود چنین

اندیشه‌هایی را بگیرد. از همین رو، دولت اصولگرا به‌طور مستقیم نیز وارد عمل شده و با مجوز ندادن به تعدادی از این آثار ادبی فمینیستی از انتشار آن‌ها ممانعت کرده است، اما دولت اصلاح‌طلب که مخالفتی با این اندیشه‌ها نداشته جلوی انتشار آن‌ها را نگرفته است (۱۷ عنوان کتاب چاپ شده در دوران اصلاح‌طلبی [۱۰۰٪] در مقابل ۷ عنوان کتاب چاپ‌شده در دوره اصولگرایی [۵۳/۸۴٪]؛ (تعداد کتاب‌های چاپ شده در دوره اصولگرایی با احتساب یک عنوان کتابی که به دلایل اقتصادی منتشر نشده بود می‌توانست به عدد ۸ برسد [۶۱/۵۳٪]). به نظر می‌رسد همین صادر نشدن مجوز برای برخی از این کتاب‌ها در بی‌میلی مترجمان به انتخاب چنین آثاری برای ترجمه تأثیر داشته است، زیرا طبیعتاً مترجمان نمی‌خواسته‌اند دست به ترجمه آثاری بزنند که امکان صدور مجوز و انتشار برای آن‌ها وجود نداشته است.

از این رو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایدئولوژی حاکم ممکن است در دو سطح بر شکل‌گیری ادبیات ترجمه‌شده در نظام چندگانه ادبی ایران تأثیر بگذارد و به دستکاری برون‌متنی آثار ترجمه‌شده بپردازد: ۱. تأثیرگذاری غیرمستقیم از طریق ایجاد فضای مناسب برای انتخاب و انتشار برخی آثار و فضای ستیز و مقابله با آثار دیگر. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ظاهراً نه فقط انتخاب آثار برای ترجمه به یک زبان و فرهنگ، بلکه عدم انتخاب آثار برای ترجمه در آن فرهنگ نیز تابع ایدئولوژی حاکم بر جامعه است. وقتی سیاست‌های حامیان دولتی در تقابل با اندیشه‌های فمینیستی و برابرخواهی مطرح در آثار زنان قرار داشته باشد، به‌طور غیرمستقیم مترجمان را از ترجمه چنین آثاری دلسرد می‌کند، زیرا مترجمان این گونه کتاب‌ها می‌دانند که در چنین فضایی امکان انتشار ترجمه‌هایشان وجود ندارد. نتیجه این سیاست‌ها راه پیدا نکردن اندیشه‌های «زبان‌بار» برای ایدئولوژی حامیان به ادبیات بومی کشور است. ۲. تأثیرگذاری مستقیم از طریق ممیزی و بررسی پیش از انتشار کتاب‌های ترجمه‌شده. در صورتی که مترجمان با وجود فضای مقابله با برخی اندیشه‌ها، مثلاً اندیشه‌های فمینیستی، دست به ترجمه این گونه آثار بزنند، حمایت دولتی به‌طور مستقیم وارد عمل می‌شود و جلوی ورود این اندیشه‌ها را می‌گیرد.

بنابراین، به نظر می‌رسد مترجمان ادبی در دوره دولت اصلاح طلب آزادی بیشتری برای انتخاب آثار ادبی فمینیستی و بیان مفاهیم مرتبط با برابری جنسیتی و آزادی زنان داشته‌اند، در حالی که در دوره دولت اصولگرا در این زمینه با محدودیت‌های بیشتر مواجه شده‌اند. دولتی که با اندیشه‌های فمینیستی مقابله می‌کند آثار ادبی زنان را که از طریق ترجمه وارد کشور می‌شود به دقت کنترل می‌کند و آن‌ها را با ایدئولوژی خود تطبیق می‌دهد. در چنین شرایطی دولت با وجود این که از ترجمه سود می‌برد و با تولید ادبیات ترجمه‌شده به نظام ادبی چندگانه بومی شکل می‌دهد، کاری می‌کند که این نظام چندگانه رنگ و بوی اندیشه‌های فمینیستی غربی نداشته باشد. لازم به یادآوری است که تحلیل این مقاله مبتنی بر عناوین کتاب‌هاست و تغییرات احتمالی محتوای کتاب‌ها در خلال ترجمه را در بر نمی‌گیرد. بررسی درون‌متنی آثار ترجمه‌شده حوزه زنان و تحلیل دستکاری‌های متن‌ها می‌تواند به درک بهتر تأثیر ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه در تعیین محتوای آثار ادبی ترجمه‌شده و شکل‌گیری ادبیات ترجمه‌شده در آن جامعه کمک کند.

کتابنامه

۱. جولان فمینیست‌ها در دولت‌های سازندگی و اصلاحات. (۱۳۹۵، ۱۶ آذر). برگرفته از:
<http://jnews.jamran.ir/news/id/1759390>
۲. حذف دختران در ۷۷ رشته دانشگاهی. (۱۳۹۱، ۱۹ مرداد). برگرفته از:
<http://www.tabnak.ir/fa/news/264141>
۳. دوران اصلاحات؛ از عضویت دو زن در کابینه تا تشکیل کمیته امحای خشونت علیه زنان. (۱۳۹۲، ۷ خرداد). برگرفته از:
<http://mehrkhane.com/fa/news/7053>
۴. زوره، ر. (۱۳۹۲). رشد مدیریت زنان در دوره اصلاحات ۶۳ درصد بود. *روزنامه شرق*، ص. ۸.
۵. سهم زنان از دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی. (۱۳۹۲، ۱۰ شهریور). برگرفته از:
<https://www.asriran.com/fa/news/293663>
۶. شجاعی، ز. (۱۳۹۱، ۷ مرداد). امام بر دخالت زنان در امور کشور تأکید داشتند. *روزنامه اعتماد*، ص. ۹.

۷. شیرافکن، آ. (۱۳۹۳، ۲۴ اسفند). گفتند کتاب‌ها فمینیستی است خمیرشان کردند، روزنامه شرق، ص. ۶.

۸. فاطمی، ه. (۱۳۸۹). تصمیم زنان: سیاست‌ها و عملکردهای دفتر امور بانوان. برگرفته از:

<https://wrc.ir/hora/detail/3/6/1389/36/333>

۹. ماهنامه زنان لغو مجوز شد. (۱۳۸۶، ۸ بهمن). خبرگزاری فارس. برگرفته از:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8611080537>

۱۰. متن کامل «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» و شروط نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای الحاق. (۱۳۸۲، ۲۰ مرداد). برگرفته از:

<https://www.isna.ir/news/8205-08262>

۱۱. مطالعات زنان در ایران؛ حساسیت‌ها و چالش‌ها. (۱۳۹۳). برگرفته از:

<https://www.mehrkhane.com/fa/news/11714>

12. Assis Rosa, A. (2010). Descriptive translation studies. In Y. Gambier & L. Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies, Volume 1* (pp. 94-104). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
13. Dukāte, A. (2007). *Manipulation as a specific phenomenon in translation and interpreting*. (Unpublished doctoral dissertation). University of Latvia, Riga, Latvia. .
14. Even-Zohar, I. (1990). Polysystem studies. *Poetics Today*, 11(1), 1-268.
15. Fawcett, P. & Munday, J. (2009). Ideology. In M. Baker (Ed.), *Encyclopedia of translation studies* (pp. 137-141). London & New York: Routledge.
16. Hermans, T. (1999) *Translation in systems: Descriptive and systematic approaches explained*. Manchester: St. Jerome Publishing.
17. Hurlley, J. A. (2007). Tailoring the Tale: Inquisitorial discourses, and resistance, in the early Franco period (1940-1950). In F. Billiani (Ed.), *Modes of censorship and translation* (pp. 61-92). Manchester & Kinderhook: St. Jerome Publishing.
18. Lefevere, A. (1985). Why waste our time on rewrites: The trouble with interpretation and the role of rewriting in an alternative paradigm. In T. Hermans (Ed.), *The manipulation of literature: Studies in literary translation* (pp. 215-43). London & Sydney: Croom Helm.
19. Lefevere, A. (1992). *Translation, rewriting and the manipulation of literary fame*. London & New York: Routledge.
20. Lefevere, A. (1998). 'Translation practice(s) and the circulation of cultural capital. Some Aeneids in English'. In S. Bassnett and A. Lefevere (Eds.),

- Constructing cultures: Essays on literary translation* (pp. 41-56). Clevedon: Multilingual Matters.
21. Rundle, C. (2010). Translation in Fascist Italy: The invasion of translations. In C. Rundle & K. Sturge (Eds.), *Translation under Fascism* (pp. 15-50). Basingstoke: Macmillan.
22. Shuttleworth, M. & Cowie, M. (1997). *Dictionary of translation studies*. Manchester: St Jerome Publishing.
23. Thomson-Wohlgemuth, G. (2007). On the other side of the wall: Book production, censorship and translation in East Germany. In F. Billiani (Ed.), *Modes of censorship and translation* (pp. 93-116). Manchester & Kinderhook: St. Jerome Publishing.